

اپوزیسیون خارج در برابر انتخاب تاریخی خود قرار دارد

سه‌شنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۸۹ - ۱۱ می ۲۰۱۰

فرهنگ قاسمی

ابعاد فاجعه جنبش هشتاد و هشت همانند خود این جنبش گنج‌کننده است. اندیشه و پدیدارشناسی در هر شاخه منبعث از این جنبش تمرکز لازم برای تحلیل علمی را تحت الشعاع قرار داده و خطر از این شاخ به آن شاخ پریدن را به همراه می‌آورد. چیزی که امروز در غالب تحلیل‌ها مشاهده میشود.

اما یک بُعد غیر قابل انکار و برجسته این جنبش فرار مغزها و فعالان سیاسی به خارج از مرزهاست. بسیاری از تکنیسین‌ها و اندیشه‌ورزان سیاسی و اجتماعی دست‌اندرکار در این جنبش برای حفظ جان و آبروی خود و خانواده خود مجبور به فرار از خانه و کاشانه خود گردیده و در کشورهای اروپایی و به ویژه در ترکیه و عراق آواره شده‌اند. مبارزینی که در کوچه و خیابان‌های ایران فریاد بر می‌آوردند، ما همه با هم هستیم، با ترک میهن و فرار از چنگال دیکتاتور، به پیشواز سرنوشت نا معلومی آمده‌اند و در خانه میزبان نا شناخته‌ای رامیکوبند که فقط هر از گاهی از آن صدای محبت و دوستی شنیده میشود. در این دیار نا مانوس که قوانین و کاغذ بازی‌ها نوعی خشونت رابر آن حکمفرما کرده است به دشواری می‌توان ادعا کرد که ما همه با هم باشیم!

اگر چه این هجوم به خارج از کشور را باید هم‌آره به عنوان یک تراژدی دیگر در تاریخ کوچ ایرانیان فرادید قرار داد، اما جنبه مدیریت سیاسی آن در رویارویی با تاکتیک‌های رژیم از یک سو و برای سامان دهی اپوزیسیون خارج از کشور از سوی دیگر از همپیوستگی ویژه‌ای برخوردار است که بایسته است نگاه درازین از آن به دور نماند. رژیم با فشاری که به فعالان و دگران‌دیشان داخل کشور آورد و با کشتارها و زندانها و تجاوزها بیش‌قادر شد نیروی فعال مخالف را از حوزه عملیات خود دور کند. گمان میرود که دیکتاتوری جمهوری اسلامی از حضور فعال آنها در صحنه داخل آسوده خاطر شده باشد. این نیرو با تغییر مکان خود، ظرفیت قبلی بالقوه خود را که از هستی و فضای خود میگرفت، دیگر ندارد و دیگر به تنهایی قادر به ابتکار عمل و استفاده از امکانات خود برای اقدام علیه جمهوری اسلامی نیست. در خارج از کشور اگر سر درگم و از خود بیگانه نبوده باشد، برای

ارضای نیازهای ابتدایی خود مجبور است در تلاش معاش باشد . امروز غالب مبارزان و فعالان سیاسی و رسانه ای در خارج از میهن در بدترین شرایط مالی به سر میبرند و راه های انطباق خود با وضعیت جدید را جستجو میکنند. پس دیگر قدرت عملیاتی خود را در مقابله با دیکتاتوری جمهوری اسلامی یا به حد اقل رسانیده اند یا کاملاً از دست داده اند. آیا کس دیگری غیر از مهاجران سالهای شصت و هفتاد میتواند وظیفه کمک رسانی و سازماندهی این نیروی به بیرون پرتاب شده از میهن در سال هشتاد و هشت - وپس از آن - را بدوش بکشد ؟ اگر پاسخ منفی باشد، که هست، باید پذیرفت که وظیفه ما از هر زمان دیگر سنگین تر است. برای دست یابی به این امر اپوزیسیون باید در نوع فعالیت سنتی خود تجدید نظر کرده و سازمان دهی خود را بر اساس شرایط تازه تعبیه و تدبیر نماید . برای اینکار باید به عوامل و داده های زیر که ما در اینجا آنها را به شیوه ای طرح مانند و گردهای می آوریم تا مل و توجه ورزد .

۱ - اپوزیسیون داخل بخشی از نیروی ضربتی وامکانات عملیاتی سال ۸۸ را از دست داده است. باید دید چگونه میتوان این کمبود را جبران کرد .

۲ - نیرو های انتقال داده شده به خارج از کشور را چگونه باید با شرایط جدید آشنا کرده و به نیازهای فوری آن از قبیل مخارج روزانه ، مدارک اقامت ، مسکن ، آموزش زبان و رفتار و روابط اجتماعی، حقوقی و قانونی پاسخ داد .

۳ - در عین حال باید این نیرو ها را که از کیفیت های غیر قابل انکاری برخوردارند در راستای مبارزه در خارج کشور علیه جمهوری اسلامی سازمان داد و افزار هماهنگی و همسازی آنها را در خارج از کشور هستی بخشید.

۴ - باید کانون های مبارزاتی « قدیمی ها » را با مشارکت از ایران گریختگان یکسال گذشته بازتولید نموده و تجربیات هر کدام را به دیگری انتقال داد .

۵ - حس اعتماد به نفس که معمولاً در شرایط تبعید کاستی پیدا میکند و یاس و نا امیدی به بار می آورد را، باید در آنها زنده نگاه داشت .

۶ - در مقابله با شرایط جدید ، وظیفه همه کسانی که مجبور به ترک میهن خود شده اند و هنوز به مبارزه علیه جمهوری اسلامی اعتقاد دارند و در اندیشه بر زمین کوبیدن این حاکمیت هستند ، اینست که بیدریغ از یک سو به کمک هم میهنان نسل جدید و تبعیدی پردازند و از سوی دیگر سامانه های مبارزاتی خود را نوسازی کرده و خود را با شرایط جدید انطباق دهند .

اگر ما مبارزانی راستین و مترقی و عدالت طلب هستیم ، اگر به آزادی، استقلال، دموکراسی و عدم هر گونه تبعیض اعتقاد داریم امروز باید از هر روز دیگر بیشتر جانفشانی و هزینه کنیم و با یافتن فصل مشترک های عملی و تاکتیکی شرایط را برای دست یافتن به هدف نهایی یعنی سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار یک جمهوری مردم سالار و لائیک در ایران آماده سازیم.

5/05/2010